

تحلیل داده بنیاد (گردد تئوری)، کنشگری اجتماعی و سیاسی زنان (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خرم آباد)

پروین بیرانوند*، اسماعیل شریفی هولاسو

چکیده

زنان نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می دهند. این نیروی بالقوه با مشارکت بالفعل خود در فعالیتهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چرخهای جامعه را همگام با مردان به حرکت درآورده و توفیقات روزافزونی از این رهگذر به بار آورد. فعالیت سازنده، هدفمند و متناسب با نقش، جایگاه و ساختار وجودی زن یک رکن اساسی از پیشرفت و نشاط و تعالی جامعه است. اگر زنان این نقش را شناسند یا بدان پایبند نباشند یا به درستی ایفا نکنند، ما به یک فضای راکد و گاه رو به انحراف و سقوط دچار می شویم. در این پژوهش هدف نگرش عمومی و سنجش توده شهروندان است و قشر خاصی مدنظر نیست. با توجه به این که شهر خرم آباد مرکز استان است و مرکز یک استان ایل محور و قومیتی است، محورهای توسعه محور و مدرن، مانند (تحصیلات دانشگاهی، اشتغال برای زنان، زمینه برای بروز وسایل ارتباطی)، در این استان شکل گرفته است. با این موج از تحولات و تغییرات اجتماعی که زمینه ساز تحولات و شکوفایی است و رشد اجتماعی را رقم می زند، انتظار می رود که نگرش اجتماعی در مورد استان لرستان به ویژه مرکز آن شهرستان خرم آباد نسبت به زنان تغییراتی داشته باشد؛ اما با توجه به شواهد تجربی این امر تحقق نیافته است. لذا بر آن شده ایم که پژوهشی در این راستا صورت گیرد که به صورت علمی به چرایی این نوع نگرش دست یافته شود. با توجه به موضوع پژوهش و رسیدن به نگرش عمیق شهروندان در این زمینه از روش تحلیل داده بنیاد استفاده گردیده است. براساس تحلیل رویکرد داده بنیاد، نتایجی که در این تحقیق حاصل شده است، شش عامل به عنوان عوامل علی (خانواده، فضای مجازی، جنسیت، اشتغال، تحصیلات، اوقات فراغت)؛ سه عامل به عنوان شرایط زمینه ای (دین، فرهنگ قومی - قبیله ای، اقتصاد)؛ چهار عامل به عنوان شرایط ساختاری (موانع سیاسی، موانع جغرافیایی، موانع اجتماعی، موانع فرهنگی)، شناسایی شده اند که در شکل گیری کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان در استان لرستان (شهرستان خرم آباد) نقش دارند. و تحلیل نتایج داده ها بیان کننده این هستند که شهروندان خرم آباد برای کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان قائل به کارگیری پنج استراتژی (خانواده دموکراتیک، کنشگری مجازی، کنشگری مسالمت آمیز، کنشگری صنفی، کنشگری ارتباطی) می باشند.

کلید واژه ها: کنشگری سیاسی، کنشگری اجتماعی، زنان لرستان، نظریه زمینه ای

مقدمه

افراد انسانی که جامعه را تشکیل می دهند دو جنس مرد و زن هستند. همان گونه که خداوند با قرار دادن نیازهای طرفین در آن دو، زمینه تشکیل خانواده و تشکیل اجتماعات را فراهم آورده است، از طرفی دیگر اندیشمندان اجتماعی، انسان را موجودی مدنی الطبع می دانند. با چنین تصویری از انسان، جامعه شناسان قائلند که او باید در اجتماع خود نقش یا نقش هایی را ایفا نماید. آن چه که قابل توجه است، این است که نقش آفرینی و مسئولیت پذیری انسان در جامعه تنها اختصاص به مردان ندارد بلکه، زنان هم در این راستا سهم قابل توجهی در اجتماع دارند.

همواره زنان نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می دهند. این نیروی بالقوه و گسترده با مشارکت بالفعل خود در فعالیت های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چرخ های جامعه را همگام با مردان به حرکت در آورده و توفیقات روزافزونی از این رهگذر به بار آورد. اما غالباً در طول تاریخ، فرصت ها و امکانات حیات اجتماعی برای زنان به نحوی توزیع نشده است که آنان به راحتی بتوانند همراه مردان در صحنه های زندگی جمعی حاضر شده و بدون محدودیت های جنسی به ایفای نقش های خویش بپردازند. بدین سان مطالبات برابری جویانه اجتماعی زنان با آغاز عصر روشنگری در اروپا شتاب فزاینده ای گرفت و ورود گسترده زنان به نقش ها و پایگاه هایی که تا این زمان مردانه تعریف می شد، زمینه تحول در نقش ها و پایگاه های کلیشه ای و افکار قالبی جنسی فراهم آورد (محمدی اصل، ۱۳۸۲: ۷). امروزه در سطح جهانی نیز مشارکت سیاسی^۱ زنان مورد توجه جدی قرار گرفته است یکی از تحولات مهمی که در سازمان ملل متحد در دهه (۱۹۷۶-۱۹۸۵) برای زنان اتفاق افتاد پذیرش این شعار بود که: «توسعه مشارکت کامل بدون حضور زنان میسر نمی شود» همچنین مواد ۷ و ۸ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان بر مشارکت همه جانبه سیاسی زنان، شامل حق رای در کلیه انتخابات، مشارکت و تدوین سیاست ها و تصدی پست های دولتی، مشارکت در سازمان های غیر دولتی و مشارکت در صحنه بین المللی اصرار می ورزد (داور، ۱۳۷۹: ۵۲).

همچنین در بیانیه کنفرانس جهانی نایروبی (۱۹۸۵) مشارکت زنان در مراکز تصمیم گیری را نه تنها حق مشروع زنان بلکه به عنوان ضرورتی اجتماعی و سیاسی که باید در تمامی نهادهای جامعه گنجانده شود، مورد تاکید قرار داده و برابری در مشارکت را برای زنان و مردان امری حیاتی شمرده است. در سال ۱۹۹۵ چهارمین کنفرانس جهانی زن، در پکن برگزار گردید که یکی از اهداف آن تسریع اجرای راهبردهای آینده نگر کنفرانس نایروبی بود. «رفع موانع مشارکت همگانی زنان در کلیه عرصه های زندگی عمومی و خصوصی از طریق ایفای سهمی کامل و برابر در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تصمیم گیری سیاسی» از موضوعات دیگر این کنفرانس بود (سند اجلاس، ۱۳۸۱). در سال ۲۰۰۰ نیز اجلاس ویژه ای در سازمان ملل با عنوان "زنان ۲۰۰۰: تساوی جنسیتی، صلح برای قرن ۲۱" برگزار شد. سند این کنفرانس،

^۱ Political participation

تاکید زیادی بر نقش زنان در قدرت و تصمیم گیری کرده است؛ ماده ۲۲ این سند دستاوردهای زنان را در عرصه تصمیم گیری و قدرت مطرح و مورد تقدیر قرار داده است. همه این فرایندها نشان دهنده ضرورت و اهمیت مطالعه کم و کیف مشارکت سیاسی زنان و عوامل موثر بر آن می باشد.

زنان ایرانی نیز در جریان زندگی دشوار و پر قید خود همواره بیش از مردان در معرض محدودیت های گوناگون بوده اند و در بررسی های تاریخی، عنصر ناشناخته یا حداقل کم شناخته شده اند. و به ندرت فرصت یافته اند تا در امور جامعه شرکت جویند و نیروی عظیم خود را در توسعه و تغییرات اجتماعی^۲ به کار اندازند. از یک قرن پیش مقارن با انقلاب مشروطیت، زنان ایرانی نیز به پیکاری خردمندانه و دامنه دار دست یافته اند و خواسته های خود را در حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیش بردند و بر تحقق آن تاکید می ورزند (آفاری، ۱۳۷۷). اما متأسفانه پس از گذشت سال ها از وقوع انقلاب اسلامی به نظر می رسد راه چندان در این مسیر نپیمودیم هرچند که گام های مهم و قابل تقدیری برداشته شده است. موضوع مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان از موضوعاتی است که هم به رشد و ارتقای جایگاه و منزلت زنان مربوط است، هم با رشد و توسعه جامعه ارتباطی اساسی و عمیق دارد. جامعه ما در سده اخیر مخصوصاً در سه دهه اخیر دگرگونی های پرشتابی را در مورد منزلت و نقش زن به خود دیده و انقلاب اسلامی این تحولات را تندتر و امیدوارکننده تر کرده است. از این حیث، زنان نیز همانند مردان، از حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... برخوردار گشته و تفاوت های فطری و طبیعی میان زن و مرد که موجب ایفای نقش ها و تکالیف متفاوتی توسط ایشان می شود و مطابق فطرت انسانی است آنان را از حقوق انسانی مشترک با مردان محروم نخواهد ساخت. اما با توجه به اهمیت و تأثیری که در حوزه های تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و ... دارند، اما نوع نگاه در جامعه امروز ایران به عنوان «جنس دوم» شناخته می شوند و فعالیت ها و توانمندی های آن ها اغلب در سایه مردان قرار می گیرد و مستلزم این است که تغییر یابد.

این روزها در جامعه شاهد منازعه اجتماعی و سیاسی زنان در عرصه های واقعی و مجازی هستیم و فضای مجازی و مکان های عمومی به عنوان بستری برای مطالبه گری و کنشگری اجتماعی و مبدل شده است. این رخداد در شرایطی در حال وقوع است که همچنان ساختارهای فرهنگی و سنتی و دینی همچنان پابرجاست. مطالعات در زمینه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان نشان می دهد که کنشگری زنان محدود به کنش های ابزاری سیاسی (رای دادن، شرکت در انتخابات راهپیمایی، تظاهرات و ...) است (پناهی و بنی فاطمه، ۱۳۹۴؛ نظری و همکاران، ۱۳۹۳؛ پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). اگرچه در سال های اخیر به ویژه سال ۱۴۰۱ شاهد اعتراضات و جنبش های اجتماعی زنان در کشور بودیم اما چندان حضور جدی و پررنگی در مناصب و جایگاه های سیاسی و اداری مهم نداشته اند.

همچنین در استان لرستان، نقش زن بعد از انقلاب و با گذشت چهار دهه و با گسترش آموزش عالی و مراکز آموزشی و ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خانواده ها انتظار می رفت که از آن فضای بسته و سنتی در استان و به ویژه مرکز این استان (خرم آباد)، شکسته شود و مجال بیشتری برای بروز و ظهور نقش آفرینی زنان در عرصه

^۲ Social changes

های سیاسی و اجتماعی دیده شود، اما این امر با انتظارات پیشین تحقق نیافت. اندک بروزی هم بوده و هست کنشگری زنان در حوزه های محدود کارمندی، حوزه های شغلی آموزش و پرورش و کارمندی های جزئی بوده است. با توجه به آمارهای موجود (در خصوص مشارکت سیاسی و اجتماعی) نسبت به استان های دیگر با یک عقب ماندگی مواجه ایم. با توجه به مباحثی که بیان گردید، کنشگری زنان از یک سو معلول مجموعه به هم پیوسته ای از شرایط و عوامل جمعی و فردی در سطوح کلان، میانی و خرد است؛ و از جانب دیگر خود پدیدآورنده و عامل اصلی توسعه کشور است. بنابراین شناخت علمی کم و کیف فعالیت های کنشگری و خواسته های زنان می تواند ضمن آشکار ساختن موقعیت زنان در جامعه، نقش آنان را در فرایند توسعه کشور و مسیر آنان را در مقابله صحیح و خردمندانه با تبعیض ها و نابرابری های جنسیتی مشخص نماید. لذا در این پژوهش سعی بر آن است به صورت عمیق و با تحلیل داده بنیاد به این سوالات پرداخته شود:

چه نوع نگرشی نسبت به کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان در شهر خرم آباد وجود دارد؟

چه عواملی در شکل گیری این نوع نگرش نسبت به زنان شهر خرم آباد نقش دارد؟

مبانی نظری پژوهش

پیشینه تحقیق (داخلی و خارجی)

در این بخش به مطالعات داخلی و خارجی انجام شده که با موضوع تحقیق ارتباط و پیوستگی بیشتری دارند، پرداخته می شود. مطالعات پیشین می تواند به عنوان پشتوانه ای علمی برای انجام پژوهش حاضر باشد. علی رغم جستجوی فراوان در سایت های معتبر بین المللی، به موضوعی مشابه موضوع مورد نظر این پژوهش دست نیافتیم و بنابراین از مقالاتی با عناوین، کلیدواژه و محتواهایی نزدیک به موضوع پژوهش فعلی به عنوان پیشینه داخلی و خارجی استفاده شده است.

ناهد سلیمی (۱۴۰۲) به پژوهشی با عنوان «الگوی مفهومی مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرایند خط مشی گذاری حوزه زنان و خانواده از منظر گفتمان دینی در ایران» به روش کیفی و راهبرد تحلیل مضمون، ۱۳ مصاحبه عمیق با خبرگان دینی آگاه به فضای کنشگری زنان با سابقه عملی یا نظری خط مشی گذارانه انجام شده است. یافته ها نشان داد که الگوی مضمونی گفتمان دینی در خصوص مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرایند خط مشی گذاری زنان و خانواده شامل بر دو بعد اساسی مؤلفه های مشارکت و مکانیسم های مشارکت است. الگوی به دست آمده از مضامین اصلی شامل مضامین غایتمندی، سطح بندی بدنه اجتماعی، مسئله محوری، دین محوری و الهی بودن و تخصیص عرصه ها و مرزها و در بعد مکانیسم ها شامل مضامین قانونی و شرعی بودن، عام بودن و جنسیت زدایی، توانمندسازی، نهادهای واسط و نهادهای تخصصی هستند. اعظم راودراد و میترا شمسی (۱۴۰۱) در پژوهش «فمینیسم عامه پسند در محتواهای به اشتراک گذاشته شده از سوی کنشگران ایرانی حوزه زنان در بستر رسانه های اجتماعی» به تحلیل کیفی محتوای نمونه های استخراج شده از حساب کاربری پربازدید چهار کنشگر حوزه زنان در اینستاگرام پرداخته است. یافته های پژوهش نشان داده اند، محتواهای به اشتراک گذاشته شده و کنشگری کنشگران مورد مطالعه، دارای ویژگی هایی چون درگیری در حلقه

بازخوردها، تمرکز افراطی بر بدن زنان، ارائه نسخه‌ای زیبایی‌سازی شده از فمینیسم، و گاه پیشنهاد راهکارهای ساده سازی شده و فردگرایانه برای حل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت هستند. گرچه کنش‌گری دیجیتال فعالان مورد مطالعه می‌تواند به مشاهده‌پذیری مسائل به‌حاشیه‌رانده شده زنان ایرانی کمک کند، این کنش‌گری بیش از همه در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی برای کنشگران بوده است. ربانی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در ایران نسبت به سایر کشورها و مناطق اسلامی (خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و شرق آسیا)»، به روش توصیفی - تبیینی با استفاده از داده‌های آماری معتبر بین‌المللی به این نتیجه دست یافته که با وجود جایگاه متوسط زنان ایرانی نسبت به زنان در سایر کشورها و مناطق اسلامی به لحاظ برخی متغیرهای زمینه‌ای از جمله، تحصیلات عالی، حضور قابل توجه در بخش‌های اقتصادی و تولید اما از جنبه مشارکت سیاسی کمتر از حد انتظار و قابل قبول بوده و در رده‌های پایینی در این زمینه قرار دارد. شیرین محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «بازنمایی زن در گفتمان کنشگران حقوق زنان در ایران»، به تحلیل گفتمان کنشگران موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان و بررسی بازنمایی زن در آن به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کیفی و کمی پرداخته است. بر مبنای نتایج، دو گفتمان اصلی تجددگرا و سنتی در رقابت هستند. زن در گفتمان سنتی در قالب نقش‌های کلیشه‌ای مادری، همسری، خانه‌داری، فرزندآوری و فرزند پروری و موجودی وابسته به مرد بازنمایی می‌شود. در گفتمان تجددگرا علاوه بر نقش زن در خانواده بر نقش‌های اجتماعی او نیز تاکید می‌شود. بابایی (۱۳۹۸)، با بررسی «تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان»، نشان داده است که زنان در جامعه سنتی لرستان در ابعاد مختلف دارای منزلت و اقتدار بالاتری نسبت به وضعیت اکنون بوده‌اند. با افزایش تحصیلات زنان، مشارکت اقتصادی نسبت به گذشته در پیشرفت است. مریم جنیدی و همکارش (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «موانع و چشم‌اندازهای مشارکت سوزهی زنان در امر سیاسی ایران (نمونه مطالعاتی: دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی)»، انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، عدم هم‌افزایی سطوح مختلف ساختارهای اقتصادی، ساختار سیاسی و فرهنگی موجود با تحولات ناشی از جهانی شدن و توانمندسازی زنان، موجب پایداری گفتمان مسلط مردسالاری و ضعف سوزگی زنان در امر سیاسی ایران شده است. حامد طالبیان و سارا طالبیان (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «زنان و کنش‌گری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: صفحه فیس‌بوکی (آزادی یواشکی زنان)» انجام داده‌اند. براساس یافته برخلاف برخی از هیجان‌های موجودی که در بعضی از رسانه‌ها و انجمن‌های حقوق بشری غربی درباره شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی جدید در میان زنان از طریق این صفحه وجود دارد، نمی‌توان آن را یکی از مصداق‌های جدید جنبش اجتماعی زنان در ایران محسوب کرد. اسدپور و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی و عوامل موثر بر آن بر شهروندان شهرستان آمل» نشان می‌دهند که میانگین مشارکت اجتماعی رسمی رو به پایین است و میانگین مشارکت اجتماعی غیررسمی متوسط رو به بالا است. مشارکت اجتماعی از نظر محل سکونت افراد با هم متفاوت است و در روستا مشارکت اجتماعی بیش تر از شهر بوده است. همچنین بین سطح مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی با متغیرهای ساخت قدرت، استفاده از رسانه‌های داخلی - خارجی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، محل اقامت سکونت، رابطه مستقیم و مثبت وجود داشته است. کمالی و موسوی در سال (۱۳۹۴)، در تحقیقی

با عنوان «مشارکت اجتماعی زنان در ایران تحلیلی جنسیتی در سطح ملی و جهانی» بیان کردند که میزان سطح مشارکت اجتماعی زنان پایین و روندی کاهشی دارد و بیشتر در فعالیت های مذهبی و خیریه تمرکز دارند و این شکاف جنسیتی رو به افزایش است و نسبت به سطح مشارکت اجتماعی مردان پایین تر است. با مقایسه اطلاعات کشور ایران نشان داد که در کلیه سازمان های مدنی و فعالیت های اجتماعی شکاف های جنسی به زیان زنان بوده است و ایران پس از کشور هند در میان کشورهای مورد بررسی بیشترین شکاف جنسیتی را داشته است. زهرا سیاهسر و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مشارکت سیاسی زنان در انقلاب های الجزایر و ایران»، بیان می کنند که، موانع و مشکلات مشارکت سیاسی زنان را می توان به دو دسته محدودیت های ساختاری و محدودیت های غیر ساختاری تقسیم کرد. موانع ساختاری شامل نظام سیاسی، عوامل فرهنگی و دلایل آموزشی است، محدودیت های تحصیلی زنان نیز مهم ترین مانع غیر ساختاری است.

مارگارت آ. مک لارن (۲۰۱۹) در مقاله ای با عنوان «کنشگری زنان به عنوان الگویی برای نظریه پردازی فمینیستی: بازار هند و انجمن زنان خوداشتغال»، با بررسی کار دو سازمان مردمی زنان در هند، نشان می دهد که این سازمان ها، اعضای خود را از طریق کار باوقار، مشارکت در تصمیم گیری سازمانی و توسعه رهبری توانمند می کنند. این سازمان ها همچنین به تنوع هویت ها احترام می گذارند. این احترام به تنوع با توانایی انتقاد از سنت ها و شیوه های مخرب همزمان است. هر سازمانی به اعضای خود قدرت می دهد تا بی عدالتی ساختاری را از طریق فعالیت اجتماعی و سیاسی به چالش بکشند. کارلا بی. عبدو کاتسیپیس (۲۰۱۷)، در پژوهش «زنان، مشارکت سیاسی و بهار عربی: آگاهی سیاسی و مشارکت در دموکراتیک کردن تونس»، بیان می کند، تفاوت های فاحشی بین مردان و زنان در سطح آگاهی سیاسی آنها وجود دارد که مانعی برای مشارکت سیاسی زنان می شود. این شکاف که با مجموعه ای از آزمون ها اثبات می شود، اساساً با تفاوت در سطح تحصیلات دانشگاهی و سطوح درآمد شکل می گیرد. عوامل مؤثر در توضیح این شکاف، تفاوت در میزان حضور عمومی زنان در محیط های شهری، بر خلاف مناطق روستایی، و عدم دسترسی به اطلاعات در مورد سیاست است. موریل گومز-پرز (۲۰۱۶)، در «کنشگری اسلامی زنان در بورکینافاسو: به سوی هنجارهای اجتماعی مورد مذاکره مجدد؟»، به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه واعظان زن از طریق شناخت و درک بهتر متون اسلامی، نقش جدیدی را برای زنان در اسلام مطرح کرده اند. در انجام این کار، این زنان از سخنان مدرنیستی مردان استفاده کردند، از رسانه ها استفاده کردند و با جنبش های بین المللی با هدف ادعای هویت اجتماعی جدید برای خواهران خود در اسلام، ایجاد برابری بیشتر بین زن و مرد در دین، و همسو شدن با جنبش های بین المللی همراه شدند. زنگ (۲۰۱۴)، در پژوهش «بررسی مشارکت سیاسی زنان در کشور چین»، نشان داده است که زنان در چین علی رغم نقش بسیار مهمی که در بسیاری از جنبه های فعالیت های اجتماعی - اقتصادی دارند، در دهه های اخیر از لحاظ مشارکت سیاسی رشد قابل چشمگیری نداشته اند و تا زمانی زنان جایگاه مناسبی در هرم قدرت سیاسی به دست نیاورند، در مشارکت سیاسی زنان در چین بهبودی احساس نمی شود. الحاجی علی (۲۰۱۴) با «ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در اتحادیه های کارگری در کشور نیجریه»، به این نتیجه رسیده اند متغیرهایی از جمله تحصیلات زنان در اتحادیه با مشارکت آنان رابطه مستقیم و معناداری دارد به

گونه ای که با افزایش تحصیلات زنان، مشارکت آنان در این اتحادیه افزایش می یابد. کوسامسو و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی «رابطه بین موانع مالی و مشارکت سیاسی زنان در ایران»، ناکافی بودن منابع مالی (شغل و درآمد) به عنوان موانع ساختاری با مشارکت سیاسی زنان در ایران رابطه معنادار وجود دارد. لوسیندیالو و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهش «موانع مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تاتزانیا» بیان گر این بودند که عواملی مانند تحصیلات، محل سکونت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مذهب، گروه سنی با مشارکت پایین زنان در فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رابطه وجود دارد.

نقدی و بررسی پیشینه پژوهش

در این پژوهش، نوعا کل کنشگری اجتماعی - سیاسی مدنظر است و چشم انداز وسیع تر است. تحقیقات پیشین عمدتا یا از روش پیمایشی استفاده کرده اند یا از روش اسنادی بهره جسته اند. یا اگر روش کیفی (داده بنیاد) که در پی رسیدن به مدل بومی متناسب با ساختار جامعه مورد مطالعه باشد، انجام نگرفته است. اما در پژوهش حاضر هم از روش کیفی هم از تکنیک داد بنیاد (گردند تئوری) استفاده شده است که صرفا هدف توصیف و نگرش نیست؛ در نهایت می خواهیم به علل و عواملی دست پیدا کنیم که علل، زمینه ها و ساختار چنین نگرشی را رقم زده اند که به یک مدل نظری (بومی) دست پیدا کنیم. نوآوری دیگر این پژوهش، این است که کنشگری زنان را در متن ذهنیت عامه شهروندان خرم آباد سنجیده است و جامعه مورد مطالعه را محدود نکرده است. نوآوری دیگر این پژوهش، ناظر به استان لرستان به ویژه شهر خرم آباد است که در سطح استان تحقیقی به این شکل صورت نگرفته است و تحقیقات پیشین در مورد محدوده خاصی از زنان بوده است. و اما مورد آخر این است که در زمینه کنشگری اجتماعی و سیاسی زنان که نوعا هر دو مولفه را در نظر گرفته باشند مطالعات چشمگیری صورت نگرفته است. عمده تحقیقات، نقش یکی از این دو مولفه اجتماعی و یا سیاسی را مدنظر داشته اند. در این پژوهش هر دو موضوع اجتماعی و سیاسی را در نظر خواهد گرفت و به صورت جامع تر به این بحث مهم در جامعه نظر دارد. و این پژوهش می تواند خلا های موجود در این زمینه را پر کند.

چارچوب مفهومی

مفاهیم کنشگری اجتماعی و سیاسی

چارچوب مفهومی در پژوهش های کیفی، بیشتر در حکم چراغ راه و عامل حساسیت برانگیز محقق عمل می کند. بر خلاف پژوهش های کمی که ما سازه ها و مقیاس های خود را از دل چارچوب نظری خود بیرون می کشیم و در نهایت در قلمرو همان چهارچوب نظری به تبیین روابط بین متغیرها می پردازیم، در پژوهش کیفی، «از اطلاعات و بصیرت های مأخوذ از ادبیات موجود به منزله ی دانش زمینه ای استفاده می کنید تا در بستر این ادبیات به مشاهدات و گزاره های تحقیق تان نظر شود.» (فلیک، ۱۳۸۸: ۶۵). با نگاهی اثباتگرایانه، کنشگری به فعالیت های متشکل و مختلف در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیط زیستی گفته می شود که با هدف ایجاد تعادل یا جلوگیری از تغییر در این زمینه ها با

میل بهبود در جامعه شکل می گیرد. فعالیت های مرتبط با کنشگری گستره وسیعی دارند و از نوشتن نامه های سرگشاده به روزنامه ها و سیاستمداران تا برگزاری کارزارهای سیاسی، بایکوت اقتصادی، راهپیمایی خیابانی، اعتصاب، تحصن و اعتصاب غذا را شامل می شود. کنشگری می تواند فردی یا گروهی سازمان یافته یا غیر سازمان یافته باشد. این اصطلاح با مفاهیم جنبش اجتماعی، حمایت و اعتراض ارتباطی نزدیک دارد. کنشگری می تواند در بسیاری از اشکال در بسیاری از تنظیمات و به دلایل مختلفی صورت بگیرد. به همین دلیل تعریف کردن آن دشوار به نظر می رسد. کنشگری به عنوان ارتباطات سیاسی غیر پارلمانی و یا اقداماتی با هدف باز تعریف اخلاق، انتقاد و به چالش کشیدن برخی از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با قصد جایگزین کردن آن ها با ساختارهای مساوات طلبانه تر تعریف می شود (اوبار، ۲۰۱۲).

کنش اجتماعی^۳، واحد اساسی و سلول بنیادین در مطالعات اجتماعی به حساب می آید. امتیاز انسان بر سایر موجودات، در آن است که شیوه و ماهیت رفتارهای او نسبت به سایر موجودات، متفاوت است. به عبارت دیگر، انسان ها به گونه ای عمل می کنند که موجودات دیگر توانایی انجام آن را ندارند. رفتار انسان ها همواره با تفکر، اندیشه و تدبیر همراه می باشد از این رو می توان گفت: عمل به معنای رفتار معنی دار و آگاهانه است؛ اما از سوی دیگر، تلاش انسان برای ایجاد و برقراری ارتباط و رابطه با سایر اعضای جامعه به میل طبیعی او به اجتماعی زندگی کردن مربوط می شوند؛ به عبارت دیگر، این تمایل انسان ها را به سوی ایجاد روابط با دیگران سوق داده و موجبات تداوم حیات اجتماعی جوامع را فراهم می سازد. به سخن دیگر، کنش به عنوان ابتدایی ترین عنصر مشترک زندگی اجتماعی بشری دربرگیرنده یک مجموعه رفتارهای است که انسان ها برای رسیدن به اهداف معین نسبت به یکدیگر انجام می دهند؛ از این رو به عمل جهت گیری شده به سوی شخص دیگر اصطلاحاً کنش اجتماعی گفته می شود. کنشگری سیاسی^۴، مفهومی است که به لحاظ معناشناختی از جنس کنش اجتماعی و البته یک سطح بالاتر از آن یعنی در سطح سیاسی بوده و قرابت هایی هم با مفهوم مشارکت سیاسی پیدا می کند. کنش کرداری است مبتنی بر یک طرح از پیش تصور شده که بدون این طرح رفتار به یک عمل نا آگاهانه تبدیل می شود. البته هر گاه یک طرح یا برنامه کنشگر دیگری را نیز در نظر داشته باشد آن طرح به یک کنش اجتماعی تبدیل می گردد (زومکا، ۱۳۸۶: ۱۲). در این پژوهش برای دستیابی به نظرات مصاحبه گران سوالات پژوهش به صورت کلی به شرح زیر می باشند:

درک پدیده: درک، تجربه (چالش ها) و نحوه کنشگری زنان چگونه است؟

شرایط علی: انگیزه هایی و دلایلی که منجر به شکل گیری کنشگری زنان می شود چیست؟

شرایط زمینه ای: زمینه های موثر بر تصمیم و گرایش زنان به کنشگری، چه مواردی هستند؟

^۳ Social action

^۴ Political activism

شرایط مداخله گر: شرایط مداخله گر و تسهیل کننده (بیرونی) در مورد کنشگری زنان کدامند؟

استراتژی ها: واکنش ها یا کنش های متقابل کنشگری زنان کدامند؟

پیامدها: کنشگری زنان چه آثار و پیامدهایی برای آنها به همراه دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و با استفاده از راهبرد نظریه مبنایی است که به جای پیش فرض های نظری به داده ها و میدان مطالعه اولویت می دهد (فلیک، ۱۳۹۳: ۱۰۸). نظریه مبنایی به پژوهش گر کمک می کند تا پدیده ها را در زمینه طبیعی آن ها و از دید کنشگران درگیر پدیده مطالعه کند. نظریه مبنایی می کوشد تا با به کارگیری یک سلسله رویه های سیستماتیک نظریه ای مبتنی بر استقراء درباره پدیده ای ایجاد کند و یافته های آن شامل یک تنظیم نظری از واقعیت تحت بررسی است. در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه بین آن ها ایجاد می شوند؛ بلکه به طور موقتی نیز مورد آزمایش قرار می گیرند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳). انتخاب نمونه در پژوهش کیفی تابع روند تحقیق است و نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری صورت می گیرد (صدیق اورعی، ۱۳۹۰). در این پژوهش از روش نمونه گیری نظری و هدفمند استفاده شده است. برای این منظور تعداد ۲۰ شهروند ساکن شهر خرم آباد در سال ۱۴۰۳ در بازه سنی ۱۸ سال به بالا، به عنوان مشارکت کنندگان این تحقیق انتخاب شده اند. داده ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختمند گردآوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است. کدگذاری یعنی برچسب دادن به متن مصاحبه در روش نظریه مبنایی از شیوه کدگذاری نظری استفاده می شود که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی است؛ البته همه صاحب نظران این حیطه و به ویژه استراس و کوربین مبدعان این شیوه معتقدند که لزومی ندارد که این سه شیوه کدگذاری به ترتیب و توالی پشت سر هم انجام گیرند و حتی در برخی موارد رفت و برگشت هایی نیز بین این شیوه ها صورت میگیرد؛ اما معمولاً اولین قدم، کدگذاری باز است؛ به این معنا که برچسبی به متن مصاحبه داده میشود. در گام بعدی همه برچسب ها با مقولاتی که به نحوی شبیه هم هستند حول یک محور قرار گرفته و در نهایت باید کنندگان را آماده ارایه یک مدل پارادایمی منسجم کرد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). برای رسیدن به این منظور با اولین مصاحبه شروع کرده و به مفاهیم مصاحبه برچسبی داده می شود پس از این که چند مصاحبه به این صورت برچسب گذاری یا به اصطلاح کدگذاری باز می شوند. مقولات آماده کدگذاری محوری می شوند. در این مرحله تقریباً مقولات شناسایی شده اند؛ یعنی به نوعی مقولات شرایط علی، میانجی، زمینه، استراتژی ها و پیامدها کشف می شود. پس از این مرحله نوبت به تدوین کدگذاری انتخابی یا گزینشی می رسد که با مشخص کردن خط سیر داستان شروع شده و با به هم مربوط ساختن مقولات این مرحله نیز پایان می یابد.

قابلیت اعتماد

در پژوهش های کیفی به جای مفهوم اعتبار و روایی از مفهوم قابلیت اعتماد استفاده می شود. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از سه تکنیک متعارف و بسیار مرسوم استفاده شده است که عبارتند از:

الف) کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش از مشارکت کنندگان خواسته می شود تا یافته های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. ب) مقایسه های تحلیلی به این معنی که به داده های خام رجوع میشود تا ساخت بندی نظریه با داده ها مقایسه و ارزیابی شود. ج) استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه چند متخصص در کار نظریه زمینه ای بر مراحل مختلف کد گذاری مفهوم سازی و استخراج مقولات نظارت دارند. در این پژوهش سعی شده تا جهت دست یابی به قابلیت اعتماد حتی الامکان از هر سه روش استفاده شود.

جدول (۱) ویژگی های جمعیت شناختی شهروندان خرم آباد

شماره	نام	جنس	سن	تحصیلات	تاهل	اشتغال
۱	سمیرا	زن	۲۴	دیپلم	مجرد	بیکار
۲	محمد	مرد	۵۸	کارشناسی	متاهل	فرهنگی
۳	کرمی	زن	۵۱	کارشناسی ارشد	متاهل	فرهنگی
۴	علی	مرد	۳۵	سطح سه حوزوی	متاهل	طلبه
۵	مهری	زن	۱۸	دیپلم	مجرد	بیکار
۶	زینب	زن	۳۸	دانشجوی کارشناسی	متاهل	کارمند
۷	شمس	مرد	۴۲	کارشناسی	مجرد	آزاد
۸	رحیمی	مرد	۴۳	کارشناسی ارشد	متاهل	کارمند
۹	اسکندری	مرد	۴۱	کارشناسی ارشد	متاهل	کارمند
۱۰	مریم	زن	۱۸	دیپلم	مجرد	بیکار
۱۱	کوشکی	مرد	۲۸	دیپلم	متاهل	آزاد
۱۲	اسماعیلی	زن	۳۳	فوق دیپلم	متاهل	خانه دار
۱۳	ترکارانی	مرد	۴۹	دکتری	متاهل	کارمند
۱۴	تاری	زن	۲۷	کارشناسی	متاهل	مربی فنی و حرفه ای
۱۵	حسنوند	مرد	۴۳	دانشجوی دکتری	مجرد	کارمند بیمارستان
۱۶	محمدی	زن	۳۱	دانشجوی کارشناسی	مجرد	باز یاب
۱۷	ایستایی	زن	۳۴	کارشناسی	مجرد	کارمند
۱۸	بازگیر	مرد	۵۳	کارشناسی	متاهل	آزاد
۱۹	ملکی	زن	۴۹	دانشجوی دکتری	متاهل	کارمند
۲۰	کردعلیوند	مرد	۲۲	دیپلم	مجرد	بیکار

با توجه به نتایجی که در جدول بالا ذکر گردیده است، افراد مورد مطالعه از نظر جنسیت به تعداد ۲۰ نفر بوده اند که تعداد به طور مساوی ۱۰ نفر زن و ۱۰ نفر مرد می باشند. بیشترین افراد مورد مطالعه در گروه سنی میان سال (۳۱ - ۵۰)، یعنی ۵۵ درصد از مصاحبه شوندگان را شامل می گردد. از لحاظ وضعیت تاهل، بیشتر افراد مصاحبه شده (۶۰ درصد) متاهل می باشند و از نظر وضعیت اشتغال که به سه بخش (دولتی، آزاد و بیکار) تقسیم شده بودند، بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه دارای شغل دولتی (۶۰ درصد) هستند.

یافته های تحقیق

براساس تحلیل رویکرد داده بنیاد، نتایجی که در این تحقیق حاصل شده است، شش عامل به عنوان عوامل علی (خانواده، فضای مجازی، جنسیت، اشتغال، تحصیلات، اوقات فراغت)؛ سه عامل به عنوان شرایط زمینه ای (دین، فرهنگ قومی - قبیله ای، اقتصاد)؛ چهار عامل به عنوان شرایط ساختاری (موانع سیاسی، موانع جغرافیایی، موانع اجتماعی، موانع فرهنگی)، شناسایی شده اند که در شکل گیری کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان در استان لرستان (شهرستان خرم آباد) نقش دارند. و تحلیل نتایج داده ها بیان کننده این هستند که شهروندان خرم آباد برای کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان قائل به کارگیری پنج استراتژی (خانواده دموکراتیک، کنشگری مجازی، کنشگری مسالمت آمیز، کنشگری صنفی، کنشگری ارتباطی) می باشند.

شرایط علی

مقوله های شرایط علی مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری (مرکزی) تاثیر می گذارند. شرایط علی، عوامل و رویدادهایی هستند که موقعیت ها و مسائل مربوط با پدیده را به وجود می آورند به شرح این موضوع می پردازند که چرا و چگونه افراد یا شهروندان به این پدیده اقدام می کنند. در واقع شرایط علی، اتفاقاتی است که بر پدیده تاثیر می گذارند و سبب بروز آن می شوند، در پاسخ به این سوال که چه عواملی بر کنشگری زنان تاثیرگذار هستند و چه عواملی در بروز و موانع آن دخیل می باشند؟ از پرسشگران اطلاعاتی جمع آوری شده است که از این اطلاعات و داده ها مفاهیم استخراج شده اند و در فرایند کدگذاری رابطه این مفاهیم با هم به طور کلی شرایط علی را ایجاد کرده اند. که شامل (خانواده، فضای مجازی، جنسیت، تحصیلات، اشتغال، اوقات فراغت) می باشند.

ساختار

شرایط ساختاری، مجموعه ای از عوامل و ویژگی ها است که بر نحوه جمع آوری و تحلیل داده ها تاثیر می گذارد این شرایط می تواند شامل: زمینه های اجتماعی، شرایط تاریخی، شرایط فردی، شرایط سازمانی باشد. این موارد به محقق کمک می کند تا درک بهتری از زمینه ای که داده ها در آن جمع آوری می شوند پیدا کند و تحلیل های عمیق تری ارائه دهد. با توجه به کدگذاری داده های به دست آمده از مصاحبه با شهروندان شهر خرم آباد شرایط ساختاری دربرگیرنده (شرایط جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) بودند که در نوع و میزان کنشگری زنان تاثیرگذار است.

شرایط زمینه‌ای

در روش تحقیق داده بنیاد، هدف از زمینه شرایط و بستر حاکم است که آن پدیده در آن اتفاق می‌افتد. در واقع در این مدل پارادایمی، بسترهایی که مرتبط به زمان و مکان پدیده هسته‌ای هستند که در تحلیل مقولات و مضامین (دین، فرهنگ قومی- قبیله‌ای اقتصاد) استخراج شده‌اند.

راهبردهای کنش / استراتژی

استراتژی، شرایطی است که افراد را وادار می‌کند که اقداماتی انجام دهند که به پدیده مورد نظر دست یابند. در واقع، ساز و کاری است که افراد آن‌ها را به کار می‌گیرند تا با پدیده کنشگری سیاسی- اجتماعی زنان روبرو شوند. با توجه به تفاوت نوع نگرش افراد راهبردها می‌توانند متفاوت و در تعارض با هم باشند. در این قسمت با توجه به تحلیل داده‌های جمع آوری شده، مردم شهر خرم آباد در مواجهه با کنشگری سیاسی- اجتماعی زنان در جامعه، پنج الگوی (خانواده دموکراتیک، کنشگری مجازی، کنشگری مسالمت آمیز، کنشگری صنفی، کنشگری ارتباطی) برای کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان به دست آمده است

خانواده دموکراتیک

گیدنز در کتاب راه سوم، اصول خانواده دموکراتیک را در هفت عنوان مطرح می‌کند: ۱. برابری عاطفی ۲. حقوق و مسوولیت‌های متقابل در روابط ۳. انجام وظایف مشترک پدر و مادری ۴. قراردادهای مادام‌العمر میان والدین و فرزندان‌شان ۵. اقتدار توافق شده نسبت به کودکان ۶. تعهدات کودکان نسبت به پدر و مادر ۷. خانواده از نظر اجتماعی. تمام بحث گیدنز در این بخش از کتاب، دموکراتیک کردن دموکراسی است؛ او در مقابل جناح راست و سوسیالیست‌های کلاسیک از «انتخاب فردی» در کنار «همبستگی اجتماعی» دفاع می‌کند، گرچه مخالف الگوی اقتدار والدین در مقابل فرزندان نیست بلکه موافق عدم خشونت و مذاکره و گفت‌وگو میان اعضای خانواده است. براساس اندیشه گیدنز برابری زن و مرد در محیط خانواده، قراردادها و بحث‌های متناسب با رشد عاطفی زوجین و کودکان، مسوولیت‌پذیری والدین نسبت به کودکان و انجام وظایف مشترک بخشی از الگوی خانواده دموکراتیک است که می‌توان به تأسی از الگوی حقوقی دموکراسی در فضای عمومی به خانواده تسری پیدا کند (گیدنز، ۱۳۹۸).

بحث و گفت‌وگو باعث می‌شود تمامی اعضای خانواده شرایطی برابر برای انجام تکالیف و تقسیم کار خود داشته باشند. بحث دیگر او صمیمیت است که «به معنای نوید دموکراسی است»، صمیمیت نیز از مجرای رابطه ناب اخذ می‌شود: «دخالت افراد در تعیین شرایط روابط و مناسبات‌شان» شباهت دیگر دموکراسی سیاسی و خانواده دموکراتیک این است که رابطه ناب در بستر قرارداد ازدواج شکل می‌گیرد؛ همان‌طور که دموکراسی سیاسی براساس تدوین قانون اساسی. شباهت دیگر دموکراتیک‌سازی زندگی شخصی و دموکراسی سیاسی پدیده چانه‌زنی‌های موضعی و مذاکره‌های اصولی است؛ در مذاکره‌های اصولی میان افراد خانواده را در نظر بگیرید. تعامل میان طرفین با تلاش برای کشف «علاق و

نگرانی‌های اساسی یکدیگر» آغاز شده و گزینه‌های موردنظر برای حل مشکلات شناسایی می‌شود. در چنین شرایطی و در خانواده دموکراتیک همه از حقوق برابر برخوردار هستند و گفت‌وگو و به رسمیت شناختن نیازهای یکدیگر را محور بحث‌ها می‌دانند (گیدنز، ۱۴۰۰). رویکرد خانواده دموکراتیک گیدنز که به نوعی حمایت از صمیمیت، رابطه ناب، گفت‌وگو میان طرفین و تمرین دموکراسی در منزل می‌باشد تنها یکی از راه‌حل‌ها یا گزینه‌ها برای حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی در دوران پرآشوب کنونی است.

خانم ۳۴ ساله، کارشناسی، مجرد، کارمند: "اگر اعتراضی وجود نداشته باشد اگر انتقادی وجود نداشته باشد هیچ جامعه‌ای رشد نمی‌کند جامعه را کد می‌ماند اعتراض ابتداء از خانواده شروع می‌شود شما در خانواده دارید زندگی می‌کنید خواهر مادر پدر برادر اگر این ترکیب اگه اعتراضاتی به این معنا وجود نداشته باشد که نسبت به یک سری ناحقی‌ها نسبت به یک سری خواسته‌ها اعتراضی وجود نداشته باشد اون وقت در جامعه انسانی معنا پیدا نمی‌کند. نگاه کن در اون اصالت اولیه اگر یه دختری یه خانواده‌ای وقتی یه بچه با اعتماد به نفس بار میارن خب در شرایط خودت تشخیص می‌دید که آیا این شرایط شرایط مناسب هست یا شرایط نامناسب است آیا امروز این ناهنجاری این فعلی که امروز تو می‌خوای انجامش بدی یا اینکه دنبالش بری درست است یا غلط است. تو باید ابتداءً این رو یاد گرفته باشی خیلیا هستند که در محیط‌های اجتماعی که قرار می‌گیرند."

کنشگری مجازی (اینترنتی)

آنجلای آگو آیو، در دانشنامه رسانه‌های جنبش‌های اجتماعی زیر مجموعه کنشگری و رسانه‌های جدید، کنشگری را مفهوم برخاسته از رسانه‌های جدید تعریف کرده که با محتوای تولیدی از سوی کاربران و دروازه‌بانی از جهت آن‌ها، میلیون‌ها بیننده و خواننده را وادار به مشارکت و تعامل در مورد محتواهای به اشتراک گذاشته شده می‌کند. کنشگری در این سبک از رسانه‌های پرتعداد اجتماعی همانند فیسبوک، توییتر تا وبلاگ شخصی، جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و غیره به دست می‌آورند. به همین سبب اینترنت و به خصوص رسانه‌های اجتماعی مجازی مانند یوتیوب، توییتر، اینستا، فیسبوک و حتی وبلاگ‌ها می‌توانند شیوه‌های متفاوتی از کنشگران را دنبال کنند. این سبب سرعت بخشیدن به حرکت‌های شهروندی و بسیج شدن اجتماعی افراد یا کاربرانی که از این گونه سایت‌ها استفاده می‌کنند می‌گردد. به همین ترتیب کنشگری در فضای مجازی نوعی از کنشگری به صورت جمعی و اجتماعی است که در فضای بیرونی و واقعی جامعه امکان تحقق و انعکاس دارد (Aguayo, ۲۰۱۱: ۳۶۲).

اکثریت افراد بر این امر تاکید داشتند که رسانه‌های مجازی به عنوان جزئی از زندگی شهروندان مبدل شده است و نقش تفکیک‌ناپذیر و پررنگی در زندگی روزمره کاربران دارد لذا با توجه به موانع بیرونی جهت کنش اجتماعی زنان در این فضا به صورت گمنام می‌توانند به ابراز خواسته‌های خود بپردازند.

آقای ۵۸ ساله، با تحصیلات کارشناسی، متاهل و فرهنگی: "باید از فضای مجازی استفاده کنن. فضای مجازی در واقع یک فضایی، کانالی هستش برا دفاع از حقشون. برا اعتراض هاشون در واقع فضایی هستش برای اعتراض به حق رای خودشون. باید با رعایت حریم شخصی حریم دولت، یا از طریق روزنامه‌ها از طریق صدا و سیما به هر حال از طریقی که انتقادات و حق خود را به دولت برسوند می‌تونن استفاده کنن که از این طریق اون اعتقادشون اون حقشون به گوش مسئولین برسوندن من اگر از این طریق‌ها نتونستن انتقادات و اون حق خود رو بگیرند."

کنشگری مسالمت آمیز(مدنی)

کنشگری مدنی به هنجارها، سازمان ها و شیوه های اجتماعی اشاره دارد که مشارکت بیشتر شهروندان در سیاست ها و تصمیمات عمومی را تسهیل می کند. این ها شامل دسترسی به انجمن های مدنی، مشارکت در رسانه ها و ابزارهای مشارکت در فعالیت های مدنی مانند تظاهرات غیرخشنوت آمیز یا طومار است. کنشگری مدنی در حصول اطمینان از عملکرد نهادهای عمومی به شیوه ای پاسخگو و شفاف با مشارکت و نمایندگی برای همه ضروری است. دستیابی به حکمرانی پاسخگو نه تنها به نخبگان پاسخگو، بلکه به شهروندان فعال نیز نیاز دارد. و شهروندان فعال نیز به نوبه خود نیازمند مشارکت در انجمن های مدنی، محلی و بین المللی، دسترسی به رسانه ها و ابزارهای مشارکت در فعالیت هایی مانند تظاهرات غیرخشنوت آمیز یا دادخواست هستند. در جایی که فرهنگ مدنی قوی از مشارکت و مشارکت سیاسی وجود داشته باشد، کشورها به احتمال زیاد ارائه خدمات مؤثر، کاهش فساد و رشد اقتصادی سریعتر و عادلانه تر را خواهند داشت. قدرت فعالیت مدنی را با استفاده از داده های مربوط به میزان مشارکت در فعالیت های مدنی مانند امضای طومارها یا پیوستن به تظاهرات مسالمت آمیز، مطالعات سازماندهی و اثربخشی جامعه مدنی، دسترسی به منابع اطلاعات رسانه ای، سطح آگاهی و اطلاعات مدنی اندازه گیری می کند.

آقا ۵۸ ساله، کارشناسی، متاهل، فرهنگی: "راهپیمایی و تظاهراتی که از حقشون دفاع کنند مشکلی ندارم هر موقعی که احساس کردند که حقشون داره ضایع میشه حتی مخالف دولت هم باشند چون دارن از حقشون دفاع می کنند، چون در چارچوب دارن از حقشون دفاع میکنن، یه جایی از کتاب قانون اساسی اومده که حق زنان باید این طور باشند می‌تونن از حقشون دفاع کنند. به نظر من زنان باید با مجوز از فرمانداری و استانداری و گردهمایی‌ها مجوز بگیرند خیلی مسالمت آمیز از حقشون دفاع کنند پیگیری کنن اصلاً گروه تشکیل بدن سرگروه تشکیل بدن نماینده تشکیل بدن حتی تا مجلس هم می‌تونن برن برای دفاع از حقشون."

کنشگری صنفی

صنف به گروهی از افراد همکار گفته می‌شود که برای ادامه شغل خود نیازمند تشریک مساعی با یکدیگرند. سابقه اصناف به قدیم الایام، یعنی به زمان ایجاد شغل‌های مختلف در جوامع بشری برمی‌گردد که گروه‌های هم‌شغل برای برقراری ثبات در مراودات، محیط کار، افرادی که خواهان ورود به آن شغل می‌باشند و نوع روابط این همکارها با سایر گروه‌های صنفی،

نیاز به داشتن قوانین و سنت‌های خاص و رعایت آنها را حس نمودند. کم‌کم تعلق به یک صنف خاص برای افراد به نوعی شخصیت‌سازی نمود و هر عضو یک صنف خاص، رنگ و بوی آن صنف را به خود گرفت. امروزه این شیوه با عمق و ظرافت بسیار بیشتری ادامه دارد و احتیاجات و نوع روابط اجتماعی دنیای امروز سبب ایجاد واژه‌های جدید وابسته به صنف نظیر «فعال صنفی» گشته است. فعالان صنفی شباهت زیادی با مفهوم کنشگران اجتماعی دارند. هر دو به نوعی وجدان بیدار و چشم بینا و دیده‌بان اجتماع خود هستند که کج‌روی‌ها، کاستی‌ها و خطرات را زودتر از بقیه دیده و به اطلاع سایرین می‌رسانند و سعی در بهبود شرایط و رفع خطر دارند، این گونه افراد در تمام جوامع پویا افرادی مقبول و پذیرفته شده‌اند؛ چرا که خصلت و رکن اصلی یک جامعه پویا نقد پذیری آن است که کنشگران و فعالان صنفی و اجتماعی بخشی از این وظیفه را بر دوش می‌کشند. در جوامع پویا مسئولان همیشه به نظرات این دیده‌بانان و دیگر همکارانشان نظیر روزنامه نگاران، خبرنگاران و کارشناسان خبره فن اهمیت داده و در تصمیماتشان از افق دید آنان بهره می‌جویند.

خانم ۴۹ ساله، دانشجوی دکتری، متاهل، کارمند: "در تمام دنیا اعتصاب یه چیز موجه هستش مثلاً شما اعتصاب می‌کنی به خاطر اینکه حرفت دیده بشه، سوژه‌گیری دیده بشه بعد میان میگن آقا شما به چی اعتراض دارید میگم به همین حرفایی که زدیم میگم شما برید نماینده‌تون بیاد در یک میز گردی در یک هم‌اندیشی منافع شما ۲۰ درصد تمدید بشه. حالا این ها بیان در قالب فعالیت‌های مدنی اعتراضات مطرح بشود توی قالب صنفی مطرح بشود تو قالب مثلاً جنسیتی مثلاً قشری در واقع مطرح بشه دیگه به اون اغتشاشات هم منتهی می‌شود. بعد میان میگن آقا شما به چی اعتراض دارید میگم به همین حرفایی که زدیم میگم شما برید نماینده‌تون بیاد در یک میز گردی در یک هم‌اندیشی منافع شما ۲۰ درصد تمدید بشه"

کنش ارتباطی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های دنیای مدرن و مدرنیته را می‌توان عقلانیت دانست که ابعاد و لایه‌های بسیار دارد و هر جامعه‌ای بسته به این که از کدام لایه آن بهره ببرد، فرهنگ و تمدنی خاص می‌یابد. هابرماس به فرآیند عقلانی شدن نگاهی کاملاً خوش‌بین داشته است. راه حلی که او ارائه می‌دهد، عقلانیت ارتباطی است که در آن، به دنبال راهی برای خروج از بحران عقلانیت در مدرنیته است. از این‌رو، او بین دو نوع کنش معقول و هدفدار و ارتباطی تمایز قائل می‌شود. درواقع به نظر هابرماس راه حل کنش معقول و هدفدار در کنش ارتباطی نهفته است که به ارتباط رها از سلطه می‌انجامد. عقلانیت ارتباطی مستلزم رهاسازی و رفع محدودیت‌های ارتباط است. کنش ارتباطی به دنبال منافع تعمیم‌پذیر آدم‌ها است که ارزش‌های مشترک براساس این کنش‌ها شکل می‌گیرد. از این‌رو، کنش ارتباطی در جست‌وجوی اصولی است که در سطحی عمومی و کلی حاکم بر کاربرد بیانی زبان هستند. زبان بعدی کلی دارد که مربوط به شرایط صوری امکان ادای سخن است. هابرماس نظریه پرداز کنش ارتباطی، در ادامه بحث ارتباطی و زبانی، مفهوم «شرایط مندرج در فرایند تولید کلام و سخن» را طرح می‌کند. در نظریه کنش ارتباطی هابرماس، عنصر اصلی و اساسی گفتار است که زبان در آن نقش اساسی دارد. زبان یک صورت ظاهری دارد و یک سیستم معانی و یک وضعیت کاربرد (ریتزر، ۱۳۹۵).

آقا ۴۹ ساله، دکتری، متاهل، کارمند: "زنی که بخواد اهل چون و چرا باشه اهل نقد و انتقاد باشد به صورت فردی می ماند. انزوای افراد نقاد به بحث دیگر اعتراض به صورت گفتمانی نهادهی است یعنی مثلاً شما اهل نقدی، اهل گفتگویی می نویسی توی مجامع حرف می زنی چیزهای انتقادی رو بیان می کنی این به بحثه هویت تو رو خیلی جاها بیان می کنی یکی دیگه هویت سازمانی هست سازمان ها شرکت می کنيد."

با توجه به تحلیل پاسخ های نمونه های مورد مطالعه، استراتژی ها و راهبردهایی که افراد در مورد کنشگری زنان در نظر داشتند، شامل ۵ نوع، (خانواده دموکراتیک، کنشگری مجازی، کنشگری مسالمت آمیز، کنشگری صنفی، کنشگری ارتباطی) در نظر داشتند که زنان از این نوع راهبردها برای اتخاذ کنشگری سیاسی و اجتماعی به کار گیرند. با تحلیل این نوع راهبردها بر حسب سن، تحصیلات، رویکرد دینی و رویکرد سیاسی افراد می توان به این نتیجه رسید، که اکثریت جامعه مورد مطالعه کنشگری اصولی و در چهارچوب قانون را ترجیح دادند. از لحاظ دینی جامعه لرستان و به طور خاص شهرستان خرم آباد، با توجه به گسترش جهانی شدن افزایش رسانه ها و آشنایی با فرهنگ بیگانه همچنان پابندی خاص خود را به عقاید دینی دارند. گاهی نارضایتی هایی به وجود آمده، نشأت گرفته از کم کاری، اختلاس ها و روی کار آمدن آخوندنماهایی اند که تضعیف در دین را ایجاد کرده اند و بدبینی هایی از لحاظ دینی و سیاسی ایجاد نمودند اما فرهنگ دینی و قومی - قبیله ای در هم تنیدگی شدیدی با هم دارند. همچنان متعهد و مقید در ذات هستند و نارضایتی ها در گفتمان روزانه است و اقدام عملی جهت مقابله صورت نمی گیرد، پاسخ ها نشان می دهد که افراد اغلب سعی داشتند که دخالتی در بحث ها و اعمال سیاسی نداشته اند. در خصوص رویکرد سیاسی افراد به دو دسته تقسیم می شوند: افرادی که علاقه ای به مسائل سیاسی ندارند اما به دلایل کاری و تحصیلی درگیر مسائل سیاسی می شوند. و دسته دیگر که علاقمند به مسائل سیاسی دارند اما در چارچوب شرکت در احزاب، اصناف و مجاری قانونی. دسته اول کنشگری مسالمت آمیز، مجازی و بدون حاشیه را قائل هستند و دسته دوم هم که علاقمند به فعالیت سیاسی اند همچنان علاقه ای به درگیر شدن در کنشگری های پرخطر نداشتند و کنشگری های صنفی و در چارچوب قانون را در نظر داشته اند. اشخاصی که در سن های بالاترند و تحصیلات بالاتری داشته اند مشارکت های سیاسی و اجتماعی را بیشتر در نظر دارند، و افراد کم سن و با تحصیلات کمتر به جهت شرایط سیاسی جامعه محافظه کاری بیشتری پیشه کرده اند که ترس از عواقب و مشکلات ناشی از آن از اصلی ترین دلایل این امر است که با وجود نارضایتی ها و شور جوانی تمایلی به ارائه نظر واقعی خویش نداشته اند.

پیامدها

هر پدیده یا اتفاقی با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی و جغرافیایی آن اتفاق می افتد. این پدیده و اتفاق ضمن تاثیرپذیری از عواملی دیگر در آن مداخله می کنند. بنابر راهبردها و استراتژی هایی که افراد در برخورد با آن اتخاذ می کنند، پیامدهایی رو به دنبال دارد. در طی مصاحبه ها تلاش این بود که برای این سوال که نگرش های شهروندان نسبت به کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان چه نوع پیامدهایی ایجاد خواهد کرد، بعد از جمع آوری و دسته بندی پاسخ ها، اطلاعات کدگذاری شده اند که مقولات اصلی از آن ها استخراج گردید که در زیر با آن اشاره می گردد. **رشد فردی:** رشد فردی از تاثیرات عمیق و

گسترده کنشگری زنان است. در این پژوهش با توجه به مصاحبه های صورت گرفته، و تحلیل آن ها، همه مصاحبه شوندگان اذعان به این داشتند که کنشگری زنان در رشد و تقویت فردی و شخصیتی تاثیر زیاد دارد که در قالب مقوله های موجود در جدول مربوط بیان گردیده است. اما در راستای توزیع این مقوله ها می توان به این مطلب اشاره کرد که این فعالیت ها به زنان این امکان را می دهد، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و احساس قدرت و توانمندی بیشتری را تجربه کنند. در فرایند کنشگری زنان با چالش ها و مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی روبرو می شوند که این مواجهه به آن ها کمک می کند که مهارت های رهبری و مدیریت را توسعه دهند. به علاوه این فعالیت ها موجب تقویت شبکه های اجتماعی می شود و زنان را به هم متصل می کند که در نتیجه می توانند از حمایت و تجربیات یکدیگر بهره مند شوند. با افزایش این آگاهی اجتماعی زنان آن ها را قادر می سازد تا در تصمیم گیری های مهم جامعه نقش موثری ایفا کنند.

"باعث میشه خود فرد به رشد و بالندگی برسد و این احساس رو می کند که یه فرد بی خاصیتی در جامعه نیست می تواند از تمام صحنه های این جامعه دخالت داشته باشد صحنه سیاسی فرهنگی اقتصادی اجتماعی می تونه نظر بده همین که من احساس می کنم می تونم در یه جایگاهی نظر بدهم بهترین چیز اینه برا من که ارزش و و بهای خودمو می دونم این اولین پیامدش هستش به خودش و جامعه اش که من یه فرد مفید هستم."

"اولین تاثیر مثبتی که می تونه تو زندگیشون داشته باشه آگاهی شون هستش احساس رضایتی که می تونه موثر باشه در محیط پیرامون خودشون ببینید."

"جایگاه اجتماعی پیدا می کنند، احساس اعتماد به نفس بالایی بدست میارن و همین اعتماد بنفس باعث میشه" تقویت خانواده: خانواده به عنوان بنیان زندگی بشریت و تکامل ویژگی های زن و مرد است. در این بستر هم نیازهای روحی تامین می شود و هم روحیه همکاری و از خود گذشتگی تقویت می گردد که زمینه ساز ظهور و بروز استعداد های افراد است. همچنین خانواده به عنوان حلقه میانی فرد و جامعه تلقی می شود و نقشی مهم در پیوند دادن آن ها دارد. زن و مرد به عنوان اعضای اصلی این بنیان مهم با ایفای نقش های خاص خود می توانند زمینه ساز سلامت و پویایی در جامعه باشند. اما زن به عنوان عامل کلیدی و مهم، بیشترین سهم را در اداره داخلی خانواده به عنوان واحدی اجتماعی بر عهده دارد که در نحوه تربیت و به تکامل رساندن آحاد اجتماع ایفای نقش می کند. زن به دلیل نقش ویژه ای که در خلقتش به وی تفویض گردیده است به سرمایه درونی گران بهایی تجهیز است که جامعه بشری برای رشد و تعالی خود به این ارزش ها نیازمند است و با انتقال این ارزش ها به فرزندان به عنوان نسل آینده با توجه به نوع نگرشی که در این انتقال ارزش ها دارد، تاثیرات زیادی می تواند از خود بر جای گذارد. به بیانی دیگر جامعه سالم و پویا نیازمند خانواده سالم است و سعادت هر جامعه ای در بستر و بطن خانواده ها پی ریزی می شود که رکن اصلی این خانواده زن است. زنان با نوع رفتار و کنشگری های اجتماعی و سیاسی و پویایی و سرزندگی که در خانواده داشته باشد می تواند این نوع نگرش را در فرزندان نهادینه کند که فرزندان مستقل و پیگیر و پویا تربیت نمایند و این پویایی در خانواده به جامعه منتقل گردد؛ زیرا جامعه با کنشگری و فعال بودن اعضایش به نقاط ضعف خود می تواند پی برده و با رفع آنها زمینه های توسعه را آورد.

"زنان نیمی از جهان رو تشکیل می دهند، و مشارکت آنها در تصمیم گیری ها و فعالیتهای اقتصادی به بهبود شرایط زندگی کمک میکند، خوب به زن تحصیل کرده خیلی می تونه موثری باشد در تربیت فرزندش، در کمک به تحصیلات فرزندش در مقایسه با به خانم بیسواد"

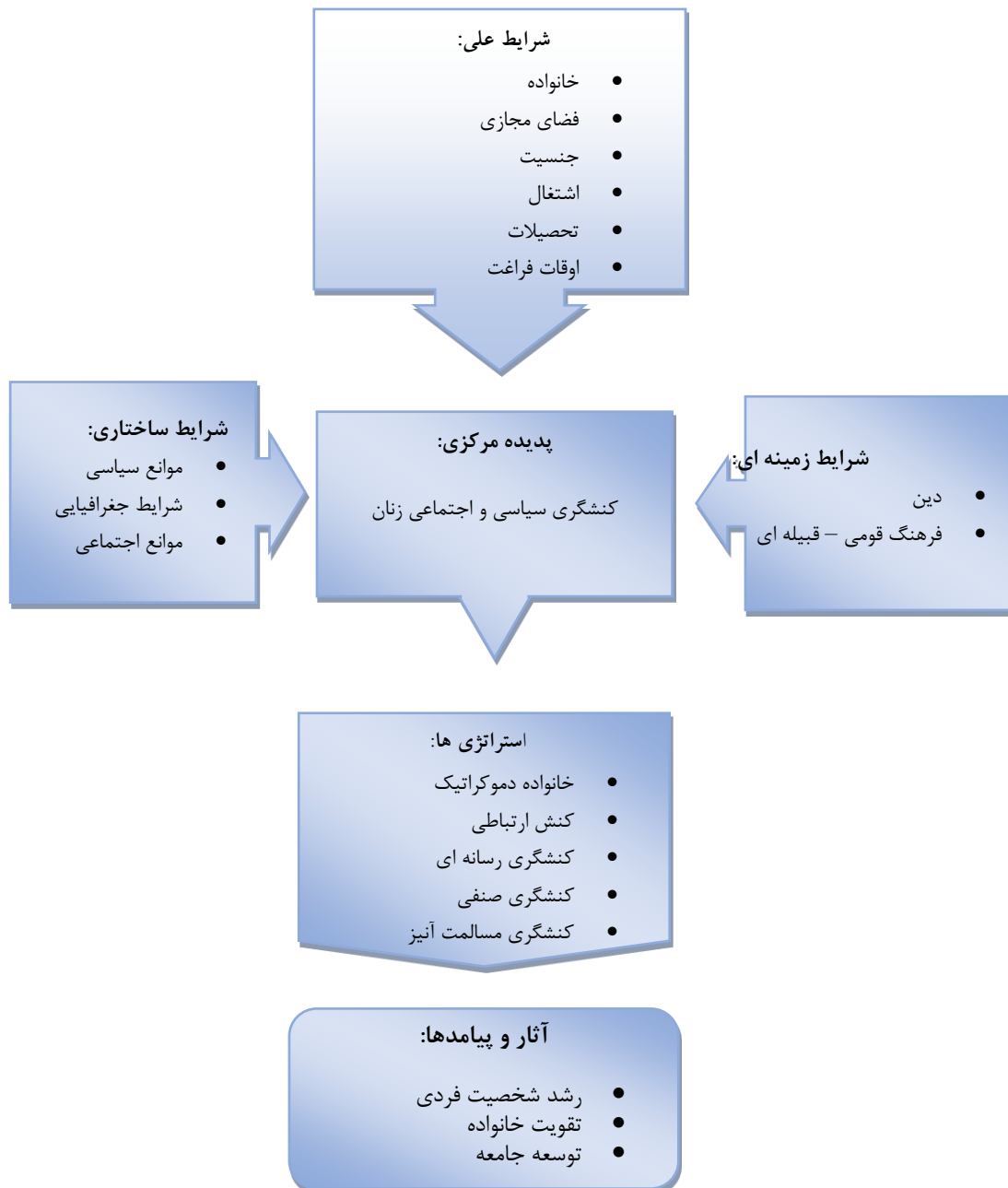
"به شریک مناسب برا همسرش باشه، به مادر نمونه و قوی برا فرزندش باشد، بطور کلی اگر این کنشگرپهاشون به کنشگری واقعی باشد خیلی تاثیر مثبتی در زندگی به بانو دارد."

توسعه جامعه: کنشگری زنان به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه جامع ابعاد مختلفی را در بر می گیرد که تاثیرات عمیقی بر روی ساختارهای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دارد از تحلیل یافته می توان این تاثیرات را در چندین بخش تقسیم نمود. اولاً: توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق افزایش مشارکت آنها در بازار کار و کارآفرینی نه تنها به بهبود وضعیت مالی خانواده ها کمک می کند بلکه به رشد اقتصادی کلیه جامعه نیز منجر می شود. وقتی زنان به استقلال مالی دست پیدا می کنند می توانند سرمایه گذاری های بیشتری در آموزش خانواده های خود انجام دهند که این امر به نوبه خود به بهبود کیفیت زندگی و کاهش فقر و کاهش آسیب های اجتماعی دیگر کمک کند. ثانیاً: آگاهی اجتماعی از جنبه های دیگر مهم است که زنان فعال در این حوزه معمولاً بر روی مسائل حقوق بشری قوانین شهروندی و سایر چالش های اجتماعی تمرکز می کند این آگاهی می تواند به تغییر نگرش و باورهای نادرست در جامعه بیانجامد و گاهی در راستای برابری و عدالت اجتماعی باشد. ثالثاً: زنان با مشارکت سیاسی در تصمیم گیری های سیاسی می توانند به ایجاد سیاست هایی منجر شوند که نیازهای واقعی جامعه رو منعکس کنند. حضور زنان در پارلمان ها و نهادهای تصمیم گیرنده می تواند به بهبود سیاست های اجتماعی و اقتصادی کمک کند و به ایجاد محیطی عادلانه تر برای همه افراد جامعه کمک کند و در نهایت تغییر فرهنگی از اثرات بلند مدت کنشگری زنان است با ترویج برابری جنسیتی و حقوق زنان باورها و سنت های ناپسند ممکن است به تبعیض و نابرابری منجر شوند به تدریج تغییر کنند.

"ببینید من معتقدم که اساس اداره یک جامعه ایده آل مشارکت مردمش است به جورایی همه بایستی کنشگری داشته باشیم حالا کمتر بیشتر متوسط نوع نگاهشون تحصیلاتشون شغلشون به درجات مختلف ممکن است باشد به فرض مثال کسی نجار است ممکن است کنشگری سیاسی اجتماعی اش کمتر باشد اما به معلم باید بیشتر باشد به مدرس استاد دانشگاه باید بیشتر باشد به کارمند هم باز به این شکل بدون کنشگری سیاسی بدون اینکه یک فرد در جامعه اش اصلاً معتقدم که هر فرد باید به کنشگر باشد حالا در زمینه های مختلف می تواند باشد یکی زمینه های اجتماعی یکی زمینه های فرهنگی یکی در دو سه تا زمینه و الا آخر اگر نباشد جمعه پیش نمی رود می شود"

"جامعه امروزی ما اگه مردم کنشگری داشته باشند مستحضر هستید که کنشگری با کنش و واکنش تفاوت خاصی دارد این عقل در آن حاکم است اما اون یک واکنشی است از روی احساس ممکن است باشد اگه کنشگری هم صنفی نباشد به جوری سیاسیش می کنن این باعث شده که کنشگری روز به روز کمتر شده آثار مخربش به خودمون برمی گردد."

"جامعه پویا می شود چون الان زنان قشر بزرگی از جامعه رو زنان تشکیل می دهند. کشوری که پویا باشد از لحاظ کنش های اجتماعی و سیاسی باعث می شود که خانواده پویایی داشته باشد. جامعه هم به اون سمت برود"



مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

پدیده اصلی این پژوهش کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان است که همان طور بیان گردید تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. کنشگری سیاسی و اجتماعی به فعالیت های اطلاق می گردید که هدف آن ها تغییر یا تاثیرگذاری بر سیاست ها، قوانین و شرایط اجتماعی است. این نوع کنشگری می تواند در سطوح مختلفی از جمله محلی، ملی و بین المللی انجام شود. عوامل و شرایط مختلفی بر انجام کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان تاثیر گذارند، این عوامل که تحت عنوان شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط ساختاری، راهبردها و کنش و پیامدها دسته بندی شده اند، که در زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

در این پژوهش، (خانواده، فضای مجازی، جنسیت، اشتغال، اوقات فراغت) از مهم ترین شرایط علی بودند. با توجه به سبک زندگی و فرهنگ شهروندان خرم آباد در میان این عوامل "خانواده" همچنان به عنوان اصلی ترین عامل تاثیرگذار محسوب می شود. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی بر رفتار فردی، رشد اجتماعی و همچنین بر ساختار کلی جامعه نقش قابل توجهی دارد. خانواده در شکل گیری شخصیت، ارزش ها و نوع نگرش اعضای خود تاثیر می گذارد. در زمینه شرایطی علل ذکر شده، تحقیقات پژوهشگران دیگری این عوامل را اثبات کردند از جمله:

نتایج تحقیق بابایی (۱۳۹۸) بیان کرده است: که با افزایش تحصیلات زنان مشارکت اقتصادی نسبت به گذشته پیشرفت کرده است. یافته های پژوهش موسوی (۱۳۹۴) نشان داده است، که کشور ایران در کلیه سازمان های مدنی و فعالیت های اجتماعی شکاف های جنسی به زیان زنان بوده است. در پژوهش صداقتی و همکارانش (۱۳۹۷) میزان نابرابری جنسیتی در سطح بالایی بوده است. عامل خانواده در پژوهش های زهرا سیاه سر و همکارانش (۱۴۰۲) و لوسیند یالوو و همکاران (۲۰۱۰)؛ عامل تحصیلات در پژوهش های بابایی (۱۳۹۸)، زهرا سیاه سر و همکارانش (۱۴۰۲)، الحاجی (۲۰۱۴)، مونیکا عادل اوسپادار (۲۰۱۵)؛ عامل شکاف جنسیتی در پژوهش های کمالی و موسوی (۱۳۹۴)، صداقتی و همکارانش (۱۳۹۷) و عامل فضای مجازی در پژوهش موریل گومز-پرز (۲۰۱۶) نشان دهنده تاثیرگذاری این عوامل به عنوان متغیرهای اساسی در کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان بوده است. که به صورت موردی در هر کدام از این پژوهش های نام برده شده به اثبات رسیدند.

عوامل زمینه (دین، فرهنگ قومی قبیله ای و اقتصاد) نقش بسزایی می توانند داشته باشد، که ارتباط تنگاتنگ با شرایط علی نیز دارا می باشد. تاثیر دین بر کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان موضوعی بسیار گسترده و چند وجهی است که از زوایای گوناگون قابل بررسی است با توجه به نحوه برخورد هر جامعه ای با این علت هم می تواند محدود کننده و هم مشوق زنان به کنشگری در سطح جامعه باشد. با توجه به شرایط شهرستان خرم آباد که جامعه قومی قبیله ای و دینی می باشد، با گسترش تغییرات اجتماعی و جهانی شدن کم کاری مسئولین بی اعتمادی سیاسی و ضعف در اعتقادات نسل جدید بیشتر مشاهده می گردد. اما همچنان زندگی افراد تحت تاثیر این مولفه مهم و حیاتی اند و زندگی افراد بر پایه سنت و

دین است و نقش خود را حفظ کرده اند و بسیاری از جنبه های زندگی با حفظ چهارچوب سنتی و دینی اداره می شود، محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی بیان کرده اند که دو گفتمان اصلی تجردگرا و سنتی در رقابت با هم هستند که زن در گفتمان سنتی در قالب کلیشه ای مادر، همسر، خانه دار، فرزند پرور و وابسته به مردم بازنمایی می گردد. کمالی و موسوی (۱۳۹۴)، عنوان کرده اند که میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان بیشتر در فعالیت های مذهبی و خیریه متمرکز است. کوماسو و همکارانش (۲۰۱۰)، ناکافی بودن منابع مالی (شغل و درآمد) را به عنوان موانع ساختاری مشارکت سیاسی زنان در ایران یادآور می شود. لوسین نت یا لو و همکاران (۲۰۱۰)، بیان می کنند که پایگاه اجتماعی اقتصادی در فعالیت های اجتماعی سیاسی و اقتصادی رابطه وجود دارد. یافته های این پژوهش با شرایط زمینه ای پژوهش حاضر همسو می باشد.

در این پژوهش موانع سیاسی، موانع اجتماعی، موانع فرهنگی و شرایط جغرافیایی به عنوان شرایط ساختاری از تحلیل داده ها کسب گردیدند. محقق با توجه به شرایط ساختاری می تواند درک بهتری از بسترهای موجود که مصاحبه گران نگرش خود با بیان کرده اند را بررسی نمود. مقوله های کسب شده ارتباط محکم با هم دارند و با تغییر در هر کدام متغیر دیگر نیز تحت تاثیر قرار می گیرد و در هم تنیدگی در بین این مقوله ها وجود دارد. با توجه به پیشینه پژوهش هایی که در فصل دوم بیان گردید تحقیقاتی که با این مقوله ها نزدیکی مفهومی دارند عبارتند از: منصوری مقدم (۱۴۰۰)، با پژوهشی که انجام داده است نتایج بیانگر این است که با توجه به نوع ساختار سیاسی سرکوبگرانه کشور حضور زنان در جایگاه های سیاسی و اجتماعی در سال های اخیر افزایش یافته است. پژوهش جنیدی و همکارانش (۱۳۹۷)، عدم هماهنگی در سطوح گوناگون ساختارهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی با تحولات ناشی از جهانی شدن موجب ثبات و پایداری در گفتمان مرد سالاری و ضعف در سوژگی زنان در امر سیاسی ایران است. اسدپور و همکاران (۱۳۹۶)، بین مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی با قدرت پایگاه اقتصادی اجتماعی محل اقامت و سکونت رابطه مستقیم و مثبت دارد. زهرا سیاه سر و همکاران (۱۴۰۲)، مشارکت زنان در ایران و الجزایر تحت تاثیر مانع ساختاری که شامل نظام های سیاسی عوامل فرهنگی می باشد. لوسیند یالو و همکاران (۲۰۱۰)، در مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی سیاسی تانزایا محل سکونت پایگاه اجتماعی اقتصادی رابطه وجود دارد. نتایج این پژوهش تاثیری بر شرایط ساختاری اند که به عنوان مانع در برابر کنشگری سیاسی و اجتماعی زنان عمل می کنند.

تحلیل داده های حاصل شده به پنج راهبرد یا استراتژی می توان اشاره دارند از جمله، خانواده دموکراتیک، کنش ارتباطی، کنشگری مسالمت آمیز، کنشگری رسانه ای و کنشگری صنفی، دستیابی به کنش ها در سطح جامعه نیازمند نهادینه سازی اهمیت گفتگو و احترام به نظرات همدیگر در خانه و در بین اعضای خانواده است که این سبک از ارتباط بتواند در جامعه تسری یابد و در زمینه اجتماعی و سیاسی بستر سازی صورت گیرد در مذاکره های اصولی میان افراد خانواده میان طرفین تعامل برای کشف "علاق و نگرانی های اساسی همدیگر" شروع می شود و گزینه هایی برای رفع مشکلات شناسایی می گردند در این شرایط و در خانواده دموکراتیک حقوق برابر بین همه اعضا برقرار گردیده و گفتگو و ارائه نظر نقدهای مثبتی به رسمیت شناخته می شوند که با رفع مشکلات نیازها هم در این بحث رفع می شود. با این ذهنیت و تفکرات

دموکراتیک افراد در جامعه هم زمینه‌هایی برای کنشگری‌های گسترده‌تر رسانه‌ای صنفی و مسالمت آمیز فراهم می‌آورند با توجه به نظرات افراد مصاحبه شده و تحلیل داده‌های به دست آمده اکثریت در پی کنشگری مسالمت آمیز و در چهارچوب قانونی بودند که این نوع نگرش و راهبرد تحت تاثیر شرایط زمینه‌ای و ساختاری شهرستان خرم آباد می‌باشد که افراد تحت تاثیر سنت و دین و تفکرات قومی قبیله‌ای بوده است که افرادی محافظه کار هستند و با وجود خواسته‌ها و مطالبات در جامعه همچنان تابع نظام حاکم می‌باشند و سعی در آن دارند که تحقق خواسته‌های خویش را در راستای اقدامات مسالمت آمیز و اعتراضات بدون خسارت و در چارچوب قانون پیگیری نمایند.

منابع

۱. آفاری، ژانت (۱۳۷۷)، انجمن های نیمه سری در نهضت مشروطه، ترجمه دکتر جواد یوسفیان، نشر بانو، تهران.
۲. آنتونی، گیدنز (۱۳۸۱)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ هفتم.
۳. پناهی، محمد حسین (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. پناهی، محمد حسین؛ بنی فاطمه، سمیه السادات (۱۳۹۴)، فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۸.
۵. جنیدی، مریم و سنگی، لیلا (۱۳۹۷)، موانع و چشم اندازهای مشارکت سوزنه زنان در امر سیاسی ایران، نمونه مطالعاتی: دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷.
۶. اووه فلیک، (۱۳۹۳) درآمدی بر روش تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
۷. ربانی، ضحی (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در ایران نسبت به سایر کشورها و مناطق اسلامی (خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و شرق آسیا)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۰، صص ۶۷-۹۳.
۸. زهرا سیاه‌سر، علی اکبر امینی، عبدالرسول حسنی فر (۱۴۰۲)، «بررسی مشارکت سیاسی زنان در انقلاب‌های الجزایر و ایران»، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، دوره ۱۳، شماره ۵۲.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران.
۱۰. سعداوی، نوال، پیشتازان آزادی زن در بین عرب، ترجمه مجید فروتن- رحیم مرادی، در بولتن مرجع شماره ۴: فمینیسم، صص ۲۶۱-۲۷۹.
۱۱. سلیمی، ناهید (۱۴۰۲)، الگوی مفهومی مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرایند خط و مشی گذاری حوزه زنان و خانواده از منظر گفتمان دینی در ایران، زن در توسعه و سیاست، شماره ۸۰، صص ۴۸۳-۵۱۶.
۱۲. طالبیان، حامد و طالبیان، سارا (۱۳۹۶) زنان و کنشگری در رسانه های اجتماعی، مطالعه موردی: صفحه فیس بوکی "آزادی یواشکی زنان"، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶.
۱۳. کارلا بی. عبدو کاتسیپیس (۲۰۱۷)، «زنان، مشارکت سیاسی و بهار عربی: آگاهی سیاسی و مشارکت در دموکراتیک کردن تونس» مجله زنان، سیاست و سیاست دوره ۳۸، ۱۳۹۶ - شماره ۴، صفحات ۴۱۳-۴۲۹ | انتشار آنلاین: ۱۶ فوریه ۲۰۱۷.
۱۴. مارگارت ا. مک لارن، (۲۰۱۹)، کنشگری زنان، فمینیسم و عدالت اجتماعی، انتشارات دانشگاه آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد.

جلو. اجتماعی، ۱۲ جولای ۲۰۱۹

۱۵. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۲)، جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۶. محمدی، فاطمه و همکاران (۱۴۰۱)، فهم تجربه زیسته زنان از فرایند جامعه پذیری سیاسی زنان، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. آنتونی گیدنز (۱۴۰۰)، دگرگونی عشق و صمیمیت، ترجمه حسن چاوشیان، نشر پارسه.
۱۸. آنتونی گیدنز (۱۳۹۸)، راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، نشر شیرازه.
۱۹. موریل گومز-پرز (۲۰۱۶)، «کنشگری اسلامی زنان در بورکینافاسو: به سوی هنجارهای اجتماعی مورد مذاکره مجدد؟»، جلد ۵۰، شماره ۱ - ۲۰۱۶، دین، نمایندگی و حوزه عمومی در بورکینافاسو، صفحات ۴۵-۶۳ | انتشار آنلاین: ۲۲ آوریل ۲۰۱۶
۲۰. موسوی، معصومه، "تاریخچه مختصر تکوین نظریه های فمینیستی"، در بولتن مرجع شماره ۴: فمینیسم، صص ۱۰-۱۸.
۲۱. میندی دی فاستر، آدریانا تاسونه، کیمبرلی متسون (۲۰۲۱)، «توییت کردن درباره جنسیت گرایانگیزه فعالیت بیشتر می کند: دیدگاه هویت اجتماعی»، مجله روانشناسی اجتماعی بریتانیا جلد ۶۰، شماره ۳. پ. ۷۴۱-۷۶۴، کتابخانه آنلاین وایلی.
۲۲. Aguayo, Angela J. (۲۰۱۱). 'New Media and Activism'; [Cited in]: John D. H. Downing. Encyclopedia of social movement media. UK: Sage.
۲۳. Al haji Ali, Mustapha (۲۰۱۴) An Assessment of factors affecting women participation in Nigeria labour congress. journal of emerging trends in educational research and policy studies, teteraps ۵(۸).p-p ۲۲۰-۲۲۲ Foresman and Company, Boston and London, ۱۹۸۹. ۲۴
۲۵. Ku samsu, Ku hasnita and Seyedeh Nosrat Shojaci. Hossein Asayesh (۲۰۱۰) the financial obstocles of women's political participation in iran. report and opinion, Vol ۲(۱۰), pp ۴۱-۴۹. Losindialo, Elisia and As mussa.
۲۶. Losindialo, Elisia and As mussa. Rrj Akarro (۲۰۱۰) Some factor thathinder women participation is social, political and economic activities in Tanzania, Arts and social sciences journal, pp ۱-۱۰
۲۷. Macridis, Roy C., Contemporary Political Ideologies, Fourth Edition, Scott,
۲۸. McKeon, Richard, Inroduction to Aristotle, Random House, New Yourk, ۱۹۷۴.
۲۹. Obar, Jonathan; et al. (2012). "Advocacy 2.0: An Analysis of How Advocacy Groups in the United States Perceive and Use Social Media as Tools for Facilitating Civic Engagement and Collective Action". Journal of Information Policy. SSRN ۱۹۵۶۳۵۲.
۳۰. Zeng, Benxiang (۲۰۱۴) Women's political participation in china: Improved or Not?, Journal of International women's studies, vol ۱۵, issu ۱. pp ۱۳۵-۱۵۰